

در اندیشه دینی، غایت قوام مال در هر جامعه، حفظ، رشد و توزیع آن برای کل جامعه است؛ بنابراین استفاده و رشد و نمو آن در پرتویک فکر کارآمد و توزیع متوازن آن واجد اهمیت است. از این منظر، نهی خداوند متعال از در اختیار قرار دادن اموال در دست سفها، چه در مقام فردی و چه در مقام اجتماعی، دقیق تر فهم می شود؛ چراکه مال به عنوان یکی از اجزای قوام و قیام هر جامعه معرفی شده است. نه مانند نگاه های کمونیستی به دنبال برابری و مساوات در درآمد و معیشت است و نه مانند نگاه های لیبرال طرفدار سرمایه داری افراطی و کنگرگونه، بلکه تعریف عدالت اجتماعی در حوزه مال (اقتصاد) را «توازن در معیشت» می داند. سوپیه و ابزار مهم، رقم خوردن چنین توازنی در «نظام توزیعی» هر جامعه است. بر مبنای نظریه اسلامی توزیع، کار معیار اولیه، اصلی و مهم کسب معیشت متناسب و پایدار برای هر فرد است. در واقع هر انسان مسلمان در بستر یک تقویم پولی مناسب و عادلانه از انواع مشاغل، باید بتواند با کار خود، معیشت و زندگی اولیه خود را تأمین کند. شکاف عمیق در قیمت گذاری مشاغل در عمل نوعی شکاف عمیق درآمدی در سطح محلی و ملی را رقم زده، توازن معیشتی را خدشه دار کرده است و ظلم محسوب می شود. در صورت عدم امکان، توانایی یا قابلیت کار، دولت و حکومت اسلامی موظف است نیازهای افراد خود را در سطح متناسب - عفاف و کفاف - تأمین کند. البته این تأمین صرفاً دولتی نیست، بلکه در نگاه اقتصاد اسلامی در وهله اول باید از مسیر تکافل عمومی - اقربا یا عامه مردم - نیاز سایر افراد جامعه تأمین شود و در لایه دوم حکومت با ابزار تأمین اجتماعی، نیازهای آحاد جامعه را در سطحی اولیه تحقق ببخشد. در چرخه اقتصاد و به منظور رعایت عدالت در توزیع منابع و منافع به دست آمده، شارع احکام و قواعد خاص خود را وضع کرده است:

#### • قوام مال

معیشت هر فرد و خانواده یکی از مهم ترین اجزای حیات او محسوب می شود؛ به همین دلیل، تأمین معیشت متناسب و متوازن برای آحاد جامعه وظیفه هر حکومت است. در اندیشه دینی، غایت قوام مال در هر جامعه، حفظ، رشد و توزیع آن برای کل جامعه است؛ بنابراین استفاده و رشد و نمو آن در پرتویک فکر کارآمد و توزیع متوازن آن واجد اهمیت است. از این منظر، نهی خداوند متعال از در اختیار قرار دادن اموال در دست سفها، چه در مقام فردی و چه در مقام اجتماعی، دقیق تر فهم می شود؛ چراکه مال به عنوان یکی از اجزای قوام و قیام هر جامعه معرفی شده است. ۶ در چنین وضعیتی، اندیشه اسلامی نه مانند نگاه های کمونیستی به دنبال برابری و مساوات در درآمد و معیشت است و نه مانند نگاه های لیبرال طرفدار سرمایه داری افراطی و کنگرگونه، بلکه تعریف عدالت اجتماعی در حوزه مال (اقتصاد) را «توازن در معیشت» می داند. سوپیه و ابزار مهم، رقم خوردن چنین توازنی در «نظام توزیعی» هر جامعه است. بر مبنای نظریه اسلامی توزیع، کار معیار اولیه، اصلی و مهم کسب معیشت متناسب و پایدار برای هر فرد است. در واقع هر انسان مسلمان در بستر یک تقویم پولی مناسب و عادلانه از انواع مشاغل، باید بتواند با کار خود، معیشت و زندگی اولیه خود را تأمین کند. شکاف عمیق در قیمت گذاری مشاغل در عمل نوعی شکاف عمیق درآمدی در سطح محلی و ملی را رقم زده، توازن معیشتی را خدشه دار کرده است و ظلم محسوب می شود. در صورت عدم امکان، توانایی یا قابلیت کار، دولت و حکومت اسلامی موظف است نیازهای افراد خود را در سطح متناسب - عفاف و کفاف - تأمین کند. البته این تأمین صرفاً دولتی نیست، بلکه در نگاه اقتصاد اسلامی در وهله اول باید از مسیر تکافل عمومی - اقربا یا عامه مردم - نیاز سایر افراد جامعه تأمین شود و در لایه دوم حکومت با ابزار تأمین اجتماعی، نیازهای آحاد جامعه را در سطحی اولیه تحقق ببخشد. در چرخه اقتصاد و به منظور رعایت عدالت در توزیع منابع و منافع به دست آمده، شارع احکام و قواعد خاص خود را وضع کرده است:

#### • توزیع قبل از تولید

در این مرحله قواعدی همچون جعل حقیقی اموال به شکلی اولی برای جامعه، معیار کار و نیاز به عنوان پایه های مالکیت، پذیرش مالکیت فردی به نمایندگی از مالکیت جمع، حیات و احیا به عنوان دو عمل اقتصادی در مالکیت منبع